

شماره ۲۲ میزبان ۱۳۹۰



شهرآورد

ماهنامه علمی، فرهنگی پیام

در این شماره میخوانید:



کتاب ملک صمد نذر چاه زین

بنیاد فرهنگی اجناسی نسخه کمان آریای نسوع به کار کرد



و مطالبی از دختران سلطان رضیه

تکنالوژی لگام گسیخته

آیا می دانستید ؟ ؟ ؟

سهراب سپهری گفت :

خانه دوست کجاست؟

در فلق بود که پرسید سوار

آسمان مکثی کرد

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شن ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت

نرسیده به درخت

کوچه باغی است که از خواب خدا سبز تر است

و در آن عشق به اندازه پرهایی صداقت آبی است

می روی تا ته آن کوچه که او پشت بلوغ، سر بدر می آورد

پس به سمت گل تنهایی می پیچی

دو قدم مانده به گل

پای فواره جاوید اساطیر زمین می مانی

و ترا ترسی شفاف فرا می گیرد

در صمیمیت سیال فضا خش خشی می شنوی

کودکی می بینی

رفته از کاج بلندی بالا، جوجه بردارد از لانه نور

و از او میپرسی

خانه دوست کجاست

فریدون مشیری گفت :

من دلم می خواهد

خانه ای داشته باشم پر دوست

کنج هر دیوارش

دوست هایم بنشینند آرام

گل بگو گل بشنو

هرکسی می خواهد

وارد خانه پر عشق و صفایم گردد

یک سبد بوی گل سرخ

به من هدیه کند

شرط وارد گشتن

شست و شوی دلهاست

شرط آن داشتن

یک دل بی رنگ و ریاست

بر درش برگ گلی می گویم

روی آن با قلم سبز بهار

می نویسم ای یار

خانه ای ما اینجاست

تا که سهراب نپرسد دیگر

خانه دوست کجاست؟





آیا می دانید تقریباً یک سوم وزن یک زن و یک دوم وزن یک مرد را ماهیچه تشکیل می دهد.
آیا می دانید ۳۰ برابر جمعیتی که امروزه بر روی کره زمین است در زیر خاک مدفون اند....

آیا می دانید با یک پنسل می توان خطی به طول ۵۶ کیلومتر کشید.
آیا می دانید عقرب ها تنها موجوداتی هستند که اشعه رادیواکتیو تأثیری بر آنها ندارد.
آیا می دانید عقرب ها دو دشمن دارند که یکی از آن ها یک نوع سار و دیگری مگس است.
آیا می دانید شیشه به ظاهر جامد است ولی مایعی است که با سرعت بسیار کند حرکت می کند.
آیا می دانید نور می تواند در یک ثانیه ۷۰۵ دور، دور زمین بچرخد.
آیا می دانید اگر تمام رگ های خونی را در یک خط بگذاریم تقریباً ۹۷۰۰۰ کیلومتر می شود.
آیا می دانید سرعت صوت در فولاد ۱۴ بار سریع تر از سرعت آن در هواست.
آیا می دانید وقتی مگس بر روی یک میله فولادی می نشیند به اندازه ۲ میلیونیم میلیمتر خم می شود.



آیا می دانید فشار در مرکز خورشید تقریباً ۷۰۰ میلیون تن بر ۴/۵ مترمربع است.

آیا می دانید طول عمر مردم سوئد و ژاپن از دیگر ملل جهان بیشتر است.
آیا می دانید داغ ترین نقطه زمین در دالول اتیوپی است که دمای هوا در سایه ۹۴ درجه است.
آیا می دانید ۱ لیتر سرکه در زمستان سنگین تر از تابستان است.
آیا می دانید ۶۰ درصد از ماهواره های جهان، نظامی و ۴۰ درصد بقیه غیرنظامی است.
آیا می دانید در هر ثانیه ۵۰۰۰ بیلیون الکترون به صفحه تلویزیون برخورد می کند تا تصویر را ایجاد کند.
آیا می دانید یک بیلیون برابر با میلیون ضرب در میلیون است.
آیا می دانید شانس شبیه بودن دو اثر انگشت ۱ به ۶۴ میلیارد است.
آیا می دانید یک گالن روغن سوخته، می تواند تقریباً ۱ میلیون گالن آب تمیز را آلوده کند.
آیا می دانید خوردن ۱ سیب اول صبح، بیشتر از قهوه باعث دور شدن خواب آلودگی می شود.
آیا می دانید قدیمی ترین آدامسی که جویده شده، متعلق به ۹۰۰۰ سال پیش بوده است.
آیا می دانید اسکیموها هم از یخچال استفاده می کنند، منتها برای محافظت غذا در مقابل یخ زدن.
آیا می دانید جویدن آدامس هنگام خوردن پیاز مانع از اشک ریزی شما می شود.



آیا می دانید در ۴۰۰۰ سال قبل، هیچ حیوانی اهلی نبود.
آیا می دانید به طور متوسط روزانه ۱۲ نوزاد به خانواده ها اشتباه داده می شوند.
آیا می دانید هیچ کس نمی داند چرا صدای اردک ها اکو نمی شود.



WATER



FIRE



WIND



WWW



ملنگ صمد دوبیتی و اشعار

به کوشش: نبی ساقی

دوبیتی ها و اشعار ملنگ

به کوشش نبی ساقی

کتاب دوبیتی ها و اشعار ملنگ صمد زیر چاپ رفته است

کتاب اشعار و دوبیتی های ملنگ صمد که به کوشش و تلاش استاد نبی ساقی استاد دارالمعلمین عالی غور جمع آوری و تنظیم شده است حاوی ۸۲ صفحه بوده که مشتمل است بر دوبیتی ها ، چند غزل و دیگر اشعار ملنگ صمد . این کتاب که اصلاً به کمک عبدالرازق خالقیار برادر زاده ملنگ صمد به دست استاد ساقی انتقال یافته اشعار زیبایی را در خود جا داده است، قسمت دوبیتی های این کتاب که مهم تر و زیبا ترین قسمت این کتاب است بیشترین صفحات را تشکیل داده است . این کتاب قرار است به زودی با مصرف مالی (بنیاد فرهنگی جهاندان غوری) از چاپ بیرون شود.

و دو خبر جدید دیگر اینک:



بنیاد فرهنگ اجتماعی

نخبه گان آریائے

و نشریه کاوش در مسیر روز در غور آغاز به کار کرد



WATER



FIRE



WIND



WWW

نوشته های در باره استاد خلیلی

استاد خلیل الله خلیلی و سخنوران ایران

گزار نیست که بگوییم هیچ شاعر و سخنوری، و در کل هیچ شهروندی بیرون از مرزهای سیاسی افغانستان، به اندازه ی استاد خلیل الله خلیلی مورد استقبال، توجه و گرمی داشت شاعران و ادیبان زبردست ایرانی نبوده است در این یادداشت کوتاه، نگاهی مختصر داریم بر پیوندهای فرهنگی میان روان شاد استاد خلیل الله خلیلی - ملک الشعراء وقت افغانستان و چند تن از استادان مسلم شعر و ادب ایران. سال هاست که خلیلی دیده از جهان پوشیده است و دوستان ایرانیش نیز. اما نشانه های درخشنده و جاویدان آن دوستی ها همچنان خوش می درخشند و خوش تر این که این درخشش جاودانه است نه مستعجل و دوام آن ها بر جریده ی عالم ثبت.

حبیب یغمایی

نوجوان بودیم و در هرات که با دیدن دیوان نوین استاد روان شاد ملک الشعراء خلیلی، با وجد و شگفتی ایام شباب، دریافتیم که بزرگان شعر و ادب ایران برای استاد خلیلی «شعر گفته اند!» این دیوان به همت کتاب فروش با فرهنگ هراتی، حاج محمد هاشم امیدوار، انتشار یافته بود. در آغاز دیوان، غزلی از شادروان **استاد حبیب یغمایی**، ادیب سخنور و مدیر دانشمند مجله ی **یغما**، در یک صفحه ی مخصوص، با حروف درشت چاپ شده بود:

در شعرو ادب داد هنر داد خلیلی
از پیشروان پیشتر افتاد خلیلی
همواره سخنگو بود و شاد که فرمود
ارباب سخن را به سخن شاد خلیلی
بنهاد می نشاء فزا باده کشان را
بر خوان ادب، خانه اش آباد، خلیلی
در عرصه ی گیتی به نوی ولوله افکند
حافظ صفت از طبع خداداد خلیلی
پرسند گر امروز که استاد سخن کیست
گوییم هم آهنگ که استاد خلیلی
تا نام زافغان و ز ایران به جهان است
نام تو به تاریخ بماناد خلیلی

شاید این دریافت آسان ما برای آن بود که این غزل زیبا آسان تر و زودتر به نظر می آمد و به تفحص و تصحیح مزید نیازی نداشت که ما در آن سنین یک سر داشتیم و هزار شور. البته در همان روزها کتابچه ای هم به نام پیوند دل ها چاپ شده بود که آن را هم مرحوم امیدوار در کتاب فروشی خود داشت و در آن سروده هایی از شاعران ایران در ارتباط با خلیلی و پیوند میان کابل و تهران چاپ شده بود. در ادامه ی این یادداشت، فشرده ای از مکاتبات و مراسلات منظوم میان استاد خلیلی و اساتید سخنور ایران را ملاحظه خواهید فرمود؛ موضوعی که در گذشته به آن اخوانیات، یعنی برادرانه سرودها، می گفته اند.

ادامه دارد . . .



WATER



FIRE



WIND



WWW

داستان زیبای بکتاش و رابعه

چنین قصه که دارد یاد هرگز؟

چنین کاری که را افتاد هرگز؟

رابعه یگانه دختر کعب امیر بلخ بود. چنان لطیف و زیبا بود که قرار از دلها می ربود و چشمان سیاه جادوگرش با تیر مژگان در دلها می نشست. جانها نثار لبان مرجانی و دندانهای مروارید گونش می گشت. جمال ظاهر و لطف ذوق به هم آمیخته و او را دلبری بی همتا ساخته بود. رابعه چنان خوش زبان بود که شعرش از شیرینی لب حکایت می کرد. پدر نیز چنان دل بدو بسته بود که آنی از خیالش منصرف نمی شد و فکر آینده دختر پیوسته رنجورش می داشت. چون مرگش فرار رسید، پسر خود حارث را پیش خواند و دلبنده خویش را بدو سپرد و گفت: "چه شهریارانی که این در گرانمایه را از من خواستند و من هیچکس را لایق او نشناختم، اما تو چون کسی را شایسته او یافتی خود دانی تا به هر راهی که می دانی روزگارش را خرم سازی." پسر گفته های پدر را پذیرفت و پس از او بر تخت شاهی نشست و خواهر را چون جان گرامی داشت. اما روزگار بازی دیگری پیش آورد.

روزی حارث بمناسبت جلوس به تخت شاهی جشنی خجسته برپا ساخت. بساط عیش در باغ باشکوهی گسترده شد که از صفا و پاکی چون بهشت برین بود. سبزه بهاری حکایت از شور جوانی می کرد و غنچه گل به دست باد دامن می درید. آب روشن و صاف از نهر پوشیده از گل می گذشت و از ادب سر بر نمی آورد تا بر بساط جشن نگاهی افکند. تخت شاه بر ایوان بلندی قرار گرفته و حارث چون خورشیدی بر آن نشسته بود. چاکران و کهتران چون رشته های مروارید دورادور وی را گرفته و کمر خدمت بر میان بسته بودند. همه نیکو روی و بلندقامت، همه سرافراز و دلاور. اما از میان همه آنها جوانی دلارا و خوش اندام، چون ماه در میان ستارگان می درخشید و بیننده را به تحسین وا می داشت؛ نگهبان گنجهای شاه بود و بکتاش نام داشت. بزرگان و شریفان برای تهنیت شاه در جشن حضور یافتند و از شادی و سرور سرمست گشتند و چون رابعه از شکوه جشن خبر یافت به بام قصر آمد تا از نزدیک آن همه شادی و شکوه را به چشم ببیند. لختی از هر سو نظاره کرد. ناگهان نگاهش به بکتاش افتاد که به ساقی گری در برابر شاه ایستاده بود و جلوه گری می کرد؛ گاه با چهره ای گلگون از مستی می گساری می کرد و گاه رباب می نواخت، گاه چون بلبل نغمه خوش سر می داد و گاه چون گل عشوه و ناز می کرد. رابعه که بکتاش را به آن دلفروزی دید، آتشی از عشق به جانش افتاد و سراپایش را فرا گرفت. از آن پس خواب شب و آرام روز از او رخت بر بست و طوفانی سهمگین در وجودش پدید آمد. دیدگانش چون ابر می گریست و دلش چون شمع می گذاخت. پس از یک سال، رنج و اندوه چنان ناتوانش کرد که او را یکباره از پا در آورد و بر بستر بیماریش افکند. برادر بر بالینش طبیب آورد تا دردش را درمان کند، اما چه سود؟

چنان دردی کجا درمان پذیرد

که جان درمان هم از جانان پذیرد

رابعه دایه ای داشت دلسوز و غمخوار و زیرک و کاردان. با حيله و چاره گری و نرمی و گرمی پرده شرم را از چهره او برافکند و قفل دهانش را گشاد تا سرانجام دختر داستان عشق خود را به غلام، بر دایه آشکار کرد و گفت:

چنان عشقش مرا بی خویش آورد

که صدساله غم در پیش آورد

چنین بیمار و سرگردان از آنم

که می دانم که قدرش می ندانم

سخن چون می توان زان سرو من گفت

چرا باید زدیگر کس سخن گفت

باری از دایه خواست که در دم برخیزد و سوی دلبر بشتابد و این داستان را با او در میان بگذارد، به قسمی که رازش برکس فاش نشود، و خود برخاست و نامه ای نوشت:

ادامه دارد . . .



WATER



FIRE



WIND



WWW

نوشته های دختران سلطان رضیه

تعلیم و تربیه

(همه چیز درباره شیر)

من میخواهم تا در رابطه به به اهمیت تعلیم و تربیه نکات چند را به رشته تحریر درآرم از زمان پیدایش خلقت بشر تعلیم و فراگیری علوم متداوی و فنون و درعرصه های مختلف زنده گی انسان ها بوده چه دربخش اجتماعی تجارتي آبادانی و معماری ها و غیره همه از برکت فراگیری تعلیم و تربیه بوده است که آن انکشافات الگو ها مثال های بوده برای ترقی و انکشاف بشر امروزی . در تمام بخش های مختلف زنده گی به هرچه ما امروز دسترسی ژیداکره ایم همه را از تعلیم و تربیه میدانیم و از برکت همین تعلیم و تربیه امروزی اگر ما انسان ها به تکنالوژی های پیشرفته و انکشافات دست یافته ایم و زنده گی بمراتب مرفع و مصئون را میگزرانیم و اگر امروز بشر قادر است حد اکثر منابع طبیعت را تسخیر نماید و ارجیهت را درک و استعفاده کردن از طبیعت مبارزه می نماید همه از برکت تعلیم و تربیه است اگر امروز بشریت به راه راست میروید دوستی و همزیستی اتفاق اتحادی را سرمشق زنده گی شان قرار میدهند باورداریم که این ها را از برکت و درک اهمیت تعلیم و تربیه دانسته ایم . تعلیم و تربیه به ما می آموزد تا چگونه احکام دین مبین اسلام را بجا کنیم و از آنها طبق احکام شریعت پیروی نمایم . آنانیکه از نعمات تعلیم برخوردارند در صلح و صفا صمیمیت اخوت و برادری زنده گی می نمایند و تمام انسان ها به آنها احترام داشته و خداوند نیز از آنها خشونت می باشند اما در راستای فراگیری تعلیم و تربیه سعی و تلاش بیدریغ می نمایم تا از آن حتا اندک چیزی هم می آموزیم و تا باشد زنده گی خود را از روشنائی تعلیم و تربیه روشن سازیم . اهمیت تعلیم و تربیه به همه گان واضح و آشکار شده است تعلیم و تربیه ما را به سوی آدمیت و جامعه می کشاند که در آن همه انسان ها اعم از زن و مرد در مورد ایفای و نقش ارزش های شان حقوق مساوی دارند در آن جامعه همه انسان ها بر ترقی و انکشاف فکری کنند و خداوند را میشناسند چو شمع از پی علم باید گداخت - - که بی علم نتوان خدا را شناخت.

نظیفه عظیمی متعلمه صنف دوازدهم با

باشند امروز هرگونه استعفاده اقتصادی و سیاسی از آنها در وطن اسلامی ما مشروعیت یافته است این در حال است که جوانان دنیای امروزی یا تمام تجهیزات متمدین به آموزش علوم و فنون روز مشغول میباشند با شناخت از جوانا نیرو مند غور داریم گفته میتوانیم که هر یک دارای استعداد فوق العاده برای آشنائی همه علم را دارند اما افسوس بر اینست که بجای داشتن آرامش و آسایش و آموزش خواری و ذلت و زبونی نصیب آنها است یعنی گوهران در خاک نهفته رامیمانند که برق جلا استعداد قوی آنها را مشکلات بزرگ سیاه رنگ کشیده است .

سیمین شریفی متعلمه صنف دوازدهم

اگر میخواهید ببینید شیر خالص است یا با آب مخلوط شده یک سوزن خیاطی پاک و خشک در شیر فرو ببرید بعد بیرون آورید اگر شیر آب مخلوط داشته باشد هیچ چیز در نوک سوزن دیده نمیشود اگر خالص باشد یک قطره شیر در نوک سوزن باقی میماند البته نباید سوزن چرب باشد اگر میخواهید شیر داخل ظرف در حال جوشیدن سر نرود یک سانتیمتر پائین تر از دهانه ظرفی که شیر در آن می جوشد با مقدار روغن چرب کنید در این صورت کف شیر از قسمت چربی بالا تر نخواهد رفت اگر شیر شما سوخت و بوی دود گرفت فوراً ظرف شیر را از روی حرارت برداشته و در داخل آب سرد قرار داده به اندازه یک مشت نمک بر آن بیندازید از شیر شما سوخت سریع شیر را در ظرف دیگری خالی کرده و خیلی کم نمک برای هر لیتر یک چهارم قاشق چایخوری نمک به آن اضافه نمائید تا طعم سوختگی از بین برود اگر میخواهید شیر شما بوی دود نگیرد کمی شکر در شیر بریزید.

راضیه انوری متعلمه صنف دوازدهم الف

جوانان ونو جوانان در ولایت غور

جوانان ونوجوانان در ولایت غور با وجود داشتن مشکلات که از گذشته تا حال مانند ازدست دادن هم قطاران خود در دوران جنگ ها طولانی و ضربات عاطفی که بر آنها وارد شد و هنوز از نبود امنیت اقتصاد طعیف و نبود پشتیبانی دولتیان اکثر از ملت داری استعداد و ابتکارات قوی و چشم گیری بودند جوانان در ولایت غور از گذشته تا امروز برای خانواده های شان مانند وسیله اقتصادی که این وسیله مجبور است تا هرگونه رنج و زحمت را برای آرامش خانواده اش تحمل کند تا حد که گاهی نامشروع میشود مانند اکثری از جوانان اناث باید بسیار احتیاط به خرج دهند تا هیچ کس مشابه شان را نبینند که در نتیجه مهره زیاد گفته شود و در حال که همه بدون صلح دختر یک مرحله نا مشروعیت و زیادت آن از مقاصد تعیین شده است امروز دیگر میباشد باید واضح اقرار کرد که گوهران با ارزش که امروز بزرگترین سرمایه ملت و فردا بزرگترین پشتیبان و تجربه زیبائی وطن می توانند



مدیر مسئول (سیدشکیب زیرک)

امور کمپیوتر (سید شکیب زیرک)

ناشر : شاه محمود شهاب ۰۷۹۶۳۳۰۳۸۹

تایپ عبدالوحید وفا

تصحیح عبدالرحمن ناصر

ماهنامه پیام شهروند چشم انتظار مطالب و آثار شما میباشد.

مطالب دوباره برگردانده نمیشود

مطالب بیانگر نظر شخصی نویسنده است؛ ماهنامه در این مورد مسؤلیتی ندارد.

مدیر مسئول در ویرایش مطالب دست باز دارد

ارتباط با ما :

۰۷۰۰۴۰۰۰۶۴

نشانی: بنیاد فرهنگی اجتماعی نخبه گان آریائی غور شهر فیروز کوه جنب ریاست برق.

مطالب باقی مانده در شماره بعد نشر خواهد شد از این بابت پوزش میخواهیم

zerakshakeeb@gmail.com

www.payamesharwnd.blogfa.com

Payame Shahrwand Monthly

پیام شهروند
نشریه غیر وابسته